

جامعه‌شناسی دین و جنسیت:

بررسی نظری و تجربی با تأکید بر اشتغال زنان

یعقوب فروتن*

چکیده

این مقاله، با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی زمینه‌های نظری و تجربی مناسبات بین دین و جنسیت با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان در جوامع اسلامی می‌پردازد. مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که با وجود اجماع اندیشمندان دربارهٔ وضعیت اشتغال زنان در بسیاری از جوامع مسلمان، تبیین این وضعیت برای آنان موضوعی بحث‌برانگیز شده است؛ به طوری که نظریات گوناگون و بعضاً متناقضی برای تبیین این وضعیت ارائه کرده‌اند که در بخش اول این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود. این موضوع به میزان زیادی ریشه در کمبود تحقیقات تجربی و عینی دارد. لذا، بخش دوم این مقاله به یافته‌های یک تحقیق تجربی اختصاص دارد. نتایج این تحقیق مبتنی بر روش لجستیک رگرسیونی، نشان می‌دهند که وجود الگوهای متعدد در زمینه اشتغال زنان در جوامع اسلامی مبین این نکته اساسی است که در خصوص تبیین مناسبات بین دین و جنسیت باید به نقش به مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر زمینه‌ها، تجربه‌ها و آموخته‌های زنان مسلمان در محیط‌های فرهنگی، اجتماعی گوناگون در نقاط مختلف جهان توجه کرد. نظر به این‌که ایران نیز از جمله کشورهای مسلمان جهان محسوب می‌شود و به‌ویژه با توجه به زمینه‌های مشارکت بیشتر زنان ایرانی در بازار کار (مانند افزایش تحصیلات زنان و نیاز و تمایل فزاینده زنان برای مشارکت در امور اقتصادی) طی سال‌های اخیر و گسترش فزاینده آن در سال‌های آتی، مباحث این مقاله می‌تواند

* استادیار علوم اجتماعی دانشگاه مازندران y_foroutan@yahoo.com

در شناخت و تبیین وضعیت موجود و چشم‌اندازهای آینده در زمینه وضعیت زنان در ایران به‌ویژه وضعیت اشتغال آن‌ها مورد استفاده قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، دین، اشتغال زنان، جوامع اسلامی، محیط‌های فرهنگی - اجتماعی.

۱. طرح مسئله و اهداف تحقیق

به‌طور کلی، مناسبات بین دین و جنسیت^۱ ریشه در این تصور دارد که دین با ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش‌های سنتی مرتبط با نقش‌های جنسیتی^۲ در داخل خانه هم‌سویی دارد. با وجود تأکید فراوان بر اهمیت دین و مطالعات رو به رشد در زمینه تأثیرات اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی دین، تحقیقات اندکی در خصوص تأثیر دین بر روی اشتغال زنان انجام گرفته است (لهر، ۲۰۰۴). این موضوع به‌ویژه در خصوص دین اسلام و از یک چشم‌انداز تطبیقی مصداق دارد. به همین جهت، این تحقیق در نظر دارد به این موضوع بپردازد و با مرور و تجزیه و تحلیل مبانی نظری و هم‌چنین ارائه برخی شواهد تجربی در زمینه تبیین مناسبات بین دین و جنسیت با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان در جوامع مسلمان سهمی را ایفا نماید. در مجموع، این مقاله دو هدف اصلی زیر را مورد توجه قرار می‌دهد. در ابتدا، مهم‌ترین یافته‌های تحقیقات پیشین را مرور می‌کند و بر همین اساس مهم‌ترین دیدگاه‌ها و تبیین‌ها را در زمینه مناسبات بین دین و جنسیت در جوامع مسلمان ارائه می‌دهد. سپس، بر پایه یافته‌های تجربی یک تحقیق، این دیدگاه‌ها و تبیین‌های نظری مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. در این بخش تلاش می‌شود تا به سؤالات اساسی تحقیق پاسخ داده شود:

^۱ Religion and gender

^۲ Gender roles

۱. آیا اساساً بین مسلمانان و غیرمسلمانان، به‌ویژه در زمینه اشتغال زنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

۲. آیا تفاوت‌های برجسته‌ای در زمینه اشتغال زنان بین مسلمانان متعلق به جوامع و محیط‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت وجود دارد؟

۳. در مقایسه با سایر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان، تأثیر دین تا چه اندازه مهم و معنی‌دار است؟

بدین ترتیب، تحقیق حاضر در نظر دارد تا ضمن بررسی تبیین‌های نظری موجود، شواهد تجربی را در خصوص مناسبات بین دین و جنسیت در جوامع مسلمان به دست دهد.

ایران از جمله کشورهای مسلمان جهان محسوب می‌شود. به‌علاوه، پیشرفت‌های چشم‌گیری در خصوص عناصر زمینه‌ساز حضور و مشارکت زنان در بازار کار، طی سال‌های اخیر در ایران پدید آمده است. این موضوع بیش از هر چیز به افزایش چشم‌گیر سطح تحصیلات زنان به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی (سفیری، ۱۳۸۶)، افزایش چشم‌گیر میانگین سن ازدواج زنان از حدود ۱۸ سال در سرشماری سال ۱۳۳۵، به تقریباً ۲۴ سال در سرشماری اخیر در سال ۱۳۸۵ و هم‌چنین به کاهش خیره‌کننده متوسط تعداد فرزندان هر زن از بیش از ۷ فرزند به حدود ۲ فرزند طی سنین باروری (۱۵-۴۹ سال) مربوط می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۴؛ عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۶؛ فروتن، ۳۸۸). این تغییرات جمعیت‌شناختی چشم‌اندازهای نوینی را در زمینه مشارکت گسترده‌تر زنان ایرانی در بازار کار طی سال‌های آینده فراهم خواهد آورد.

علاوه بر این، باید به اهمیت موضوع "انتقال فرهنگی بین نسلی نگرش‌ها"^۱ نیز توجه کرد. این موضوع، که به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش مشارکت زنان در بازار کار طی دهه‌های اخیر در بسیاری از ممالک جهان معرفی شده است^۲، در ایران نیز مشاهده گردیده است (برای مثال نک. اسدی و همکاران، ۱۳۵۶؛ عبدی و گودرزی، ۱۳۷۷؛ زنجانی، ۱۳۸۲؛ شادی‌طلب، ۲۰۰۵؛ فروتن، ۱۳۸۸). نتایج این تحقیقات در ایران به روشنی نشان می‌دهد که در مقایسه با گذشته، امروزه نظر موافق بیشتری با کار خارج از خانه زنان وجود دارد. بدین ترتیب، با توجه به زمینه‌های مشارکت هرچه بیشتر زنان ایرانی در بازار کار و پیش‌بینی گسترش فزاینده چنین زمینه‌ها و ضرورت‌هایی در سال‌های آتی، مباحث این مقاله در زمینه مناسبات دین و جنسیت در جوامع اسلامی می‌تواند هم برای شناخت دقیق‌تر وضعیت موجود و هم برای تبیین چشم‌اندازهای آینده و برنامه‌ریزی در خصوص وضعیت زنان در ایران به عنوان یک کشور اسلامی به‌ویژه در زمینه وضعیت اشتغال آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۲. ادبیات تحقیق: دیدگاه‌ها و تبیین‌ها

هم‌چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، تحقیقات اندکی در زمینه پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی دین صورت گرفته است. با این همه، این‌گونه تحقیقات طی سال‌های اخیر روند رو به رشدی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد که این موضوع در خصوص دین اسلام به‌ویژه از یک چشم‌انداز تطبیقی (یعنی مقایسه مسلمانان با سایر گروه‌های دینی) به‌طور برجسته‌تری دلالت دارد. در مجموع، موضوعات مرتبط با دین و جنسیت در جوامع مسلمان برای محققان و دانشمندان

¹ The intergenerational cultural transmission of attitudes

² Fernandez et al. 2004; Fortin 2005; Farre and Vella 2007

موضوعاتی "جالب توجه" و در عین حال "پیچیده" معرفی شده‌اند (عمر و آلن، ۱۹۹۶؛ اسپوزیتو، ۱۹۹۸). به‌طور کلی، در بررسی مطالعات و تحقیقات انجام شده در زمینه مناسبات بین دین و جنسیت در جوامع مسلمان دو نکته کلیدی وجود دارد که در زیر به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود: ۱. اتفاق نظر در ترسیم وضعیت عمومی زنان در جوامع مسلمان، ۲. اختلاف نظر در تبیین این وضعیت.

۲. ۱. اتفاق نظر در ترسیم وضعیت عمومی زنان در جوامع مسلمان

نکته اول آن که، اغلب مطالعات و تحقیقات انجام گرفته، در این زمینه اتفاق نظر و اجماع دارند که بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، وضعیت و منزلت زنان^۱ در بخش قابل ملاحظه‌ای از ممالک اسلامی چندان مناسب نیست و اعتقاد بر این است که این دسته از زنان نسبت به زنان در سایر جوامع از وضعیت و منزلت بالنسبه پایین‌تری برخوردار هستند. به‌عنوان مثال، در مطالعات و تحقیقات انجام شده اشاره شده است که زنان در کشورهای مسلمان معمولاً از سطح بسیار بالای زاد و ولد و باروری برخوردار هستند، میزان بی‌سوادی آن‌ها بیشتر است و سطح تحصیلات ایشان نیز در مقایسه با سایر جوامع بالنسبه پایین‌تر است. به‌علاوه، چنین وضعیت تحصیلات و باروری ارتباط تنگاتنگی با سایر مشخصه‌های مربوط به وضعیت و منزلت زنان در جوامع مسلمان (مانند پایین بودن میانگین سن ازدواج و استفاده اندک از وسایل کنترل موالید) دارد.^۲ گفتنی است که الگوی منحصر به فرد باروری زنان در برخی جوامع مسلمان یکی از مهم‌ترین دلایل علاقه‌مندی محققان به مطالعه روابط بین مذهب و باروری معرفی شده است (مک کویلان، ۲۰۰۴). جدول شماره ۱ برخی از

^۱ Women's status

^۲ برای مرور کامل منابع و تحقیقات پیشین در این زمینه ر.ک. Foroutan (2008a); Foroutan (2008b).

مهم‌ترین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی - اجتماعی (عمدتاً معطوف به وضعیت زنان) را در تعدادی از کشورهای مسلمان نشان می‌دهد.

به‌علاوه، نتایج مطالعات و تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که تفاوت‌های فوق‌الذکر نه تنها در مقیاس بین‌المللی (یعنی مقایسه بین کشورهای مسلمان و سایر کشورها) بلکه حتی در مقایسه بین زنان مسلمان و سایر زنان در داخل یک کشور واحد نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه، مطالعات گسترده کیرک (۱۹۶۵) در دهه ۱۹۶۰ در تعدادی از کشورهای مختلف دنیا این واقعیت مهم را نشان داد که مسلمانان در اروپا (در آلبانی و بخش‌های مسلمان نشین یوگسلاوی نسبت به غیر مسلمانان)، مسلمانان در هند (نسبت به هندوها)، مسلمانان در مصر و لبنان (نسبت به مسیحیان) و مالایاهای مسلمان در مالزی (نسبت به چینی‌ها و هندی‌های غیر مسلمان) سطح باروری و زاد و ولد بالاتری دارند. این تفاوت‌ها در مطالعات و تحقیقات جدیدتر نیز مشاهده شده است: به‌عنوان نمونه، در چهار کشور آسیایی (مورگان و همکاران، ۲۰۰۲)، در تایلند (نودل و همکاران، ۱۹۹۹)، در هندوستان (میشرا، ۲۰۰۴، دهارمالینگام و مورگان، ۲۰۰۴) و در استرالیا (کارمیچل و مک دونالد، ۲۰۰۳، فروتن، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹). یکی از جمعیت‌شناسان برجسته معاصر، چسنایس (۱۹۹۶: ۷۳۴) معتقد است که «در مقیاس جهانی، هر جایی که زنان از وضعیت و منزلت پایین برخوردارند، سطح باروری و زاد و ولد بالاتر است».

به‌طور مشخص، مطالعات و تحقیقات انجام‌شده به پایین بودن میزان مشارکت زنان مسلمان در بازار کار و هم‌چنین به دشواری‌ها و محدودیت‌هایی اشاره می‌کنند که آنان در زمینه کار خارج از خانه با آن‌ها مواجه هستند^۱. برای مثال، نتیجه تحقیقات عمران و

^۱ البته باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که محدودیت‌ها و تنگناهای شغلی مبتنی بر ملاحظات جنسیتی به‌عنوان خصیصه ثابت و درازمدت بازار کار معرفی شده است (برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه کنید):

رودی (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان در جامعه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (یعنی منطقه‌ای که بیشترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده است)، در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی بسیار پایین است. مطالعات و تحقیقات پیشین بر این نکته تأکید دارند که این وضعیت تا حدودی ناشی از اعتقادات و انتظارات مرتبط با نوع و نحوه پوشش ظاهری زنان در اماکن و انظار عمومی (بازار و محل کار، ادارات و کارخانجات و غیره) است. ضمن آن‌که، چنین سیستم اعتقادی نقش تعیین‌کننده‌ای در الگوهای شغلی زنان در جوامع مسلمان ایفا می‌نماید؛ به طوری که، مثلاً، بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان شاغل در مدارس (معلمان مدارس ابتدایی یا دبیرستان‌های دخترانه) و یا در بیمارستان‌ها (عمدتاً به عنوان پرستار برای بیماران زن) کار می‌کنند.^۱ علاوه بر این، چنین سیستم اعتقادی مرتبط با مشاغل پذیرفته شده برای زنان، معمولاً به شکل برجسته‌ای در متون درسی و آموزشی و برنامه‌های تلویزیونی و سایر وسایل ارتباط جمعی در این دسته از جوامع منعکس می‌شوند. برای نمونه در تحقیقات انجام شده در برخی از کشورهای مسلمان عرب‌زبان (اعظم و همکاران، ۱۹۸۴؛ زوریک و ساده، ۱۹۹۵) نمونه‌هایی از این گونه نقش‌های جنسیتی مورد انتظار در وسایل ارتباط جمعی و متون درسی مدارس ارائه شده‌اند. هم‌چنین، زنان در برخی از کشورهای اسلامی به عنوان کارکنان خانوادگی در مشاغل کشاورزی بدون دستمزد کار می‌کنند. آنان هم‌چنین به فعالیت‌هایی اشتغال دارند (به ویژه در بخش کشاورزی) که اگرچه از

(Anker 1997; United Nations 2000; Foroutan 2008e)
^۱ برای مطالعه بیشتر ر.ک. Boserup 1970; Anker, 1997; Moghadam, 1999

طبیعت و ماهیت تعریف استاندارد سازمان ملل از مفهوم فعالیت اقتصادی^۱ برخوردار است، ولی به سهولت تحت عنوان فعالیت اقتصادی قابل شناسایی نیستند؛ زیرا چنین فعالیت‌هایی که زنان به آن مشغول هستند، به عنوان مثال، تمام وقت به حساب نمی‌آیند. بدین ترتیب، بخش قابل ملاحظه‌ای از زنان که در این قبیل ممالک عملاً به کار اشتغال دارند در آمارهای رسمی مانند سرشماری‌ها و سایر منابع آماری نادیده گرفته می‌شوند که منجر به کم‌شماری در زمینه میزان واقعی اشتغال زنان می‌شود.^۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ مطابق تعریف استاندارد سازمان ملل متحد، فعالیت اقتصادی (Economic activity) به فعالیتی اطلاق می‌شود که به سمت تولید کالاها و خدماتی هدایت شود که در اصطلاح اقتصادی قابل اندازه‌گیری است و در این قبیل فعالیت‌ها افراد در قبال دریافت دستمزد استخدام می‌شوند (United Nations, 1974: 100).

^۲ البته باید به این نکته اشاره کرد که موضوع نادیده گرفتن فعالیت اقتصادی زنان و نقص آمارهای رسمی در زمینه میزان اشتغال زنان حتی در کشورهای توسعه یافته هم چون سوئد، انگلستان و ایالات متحده نیز مشاهده شده است (به عنوان مثال ر.ک. هاکمین، ۱۹۹۶).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی - اجتماعی (عمدتاً معطوف به وضعیت زنان) در

برخی از کشورهای با اکثریت جمعیت مسلمان

کشور	جمعیت مسلمان %	میزان باروری کل (۲)		میزان استفاده از وسایل کنترل موالید (۳)	میزان بی‌سوادی افراد بالای ۱۵ سال (۱۹۹۸)		میزان مشارکت زنان در بازار کار
		۱۹۸۵-۸۵	۱۹۹۵-۲۰۰۰		مردان	زنان	
افغانستان	۹۹	۶/۹۰	۶/۹۰	۱۴/۴	na	na	na
آلبانی	۷۰	۳/۴۰	۲/۴۳	Na	۹	۲۴	۷۸/۸
اندونزی	۸۷/۲	۴/۰۶	۲/۶۰	۶۳	۹	۲۰	۵۸/۵
ایران	۹۹/۵	۶/۸۰	۲/۵۳	۷۲/۲	۱۸	۳۳	۱۲/۵
بنگلادش	۸۸/۳	۶/۴۴	۳/۹۵	۵۳/۳	۴۹	۷۱	۶۰/۶
پاکستان	۹۵	۶/۵۰	۵/۴۸	۲۵/۱	۴۲	۷۱	na
ترکیه	۹۹/۸	۴/۱۰	۲/۷۰	۶۶/۸	۷	۲۵	۳۲/۲
تونس	۹۹/۵	۴/۹۰	۲/۳۲	۶۷/۹	۲۱	۴۲	۲۷
سوریه	۸۶	۷/۳۸	۳/۸۲	۵۰/۲	۱۳	۴۲	۱۹/۵
سومالی	۹۹/۹	۷/۲۵	۷/۲۵	۸/۲	na	na	na
عربستان	۹۶/۶	۷/۲۸	۵/۰۹	۲۸/۱	۱۷	۳۶	na
قطر	۹۵	۵/۴۵	۳/۷۰	na	۲۰	۱۷	۴۶/۵
لبنان (۱)	۵۵/۳	۳/۷۹	۲/۲۹	۶۶/۳	۹	۲۱	۲۵/۸
مالزی (۱)	۶۳	۴/۲۴	۳/۲۶	۶۴/۱	۹	۱۸	۵۰/۲
مراکش	۹۹/۸	۵/۱۰	۳/۰۰	۵۳/۶	۴۰	۶۶	۳۴/۵
مصر	۹۰	۵/۰۶	۳/۵۱	۵۸/۴	۳۵	۵۸	۲۴
جهان	na	۳/۵۸	۲/۸۳	na	۱۸	۳۲	na

Source: International Labour Organisation (2001); Abbasi-Shavazi and Jones (2005); Hull (2005).

۱. کشورهای لبنان و مالزی به این سبب در این جدول گنجانده شدند که نسبت

قابل ملاحظه‌ای از جمعیت زنان مسلمان در تحقیق تجربی موردنظر این مقاله مربوط به

این کشورها است.

۲. میزان باروری کل نشان‌دهنده متوسط تعداد فرزندان است که هر زن طی سنین ۱۵-۴۹ سالگی به دنیا می‌آورد.

۳. این میزان نشان‌دهنده درصد زنان متأهل واقع در سنین ۱۵-۴۹ سالگی است که از وسایل پیش‌گیری از حاملگی استفاده می‌کنند.

۴. نشان می‌دهد که داده‌های مورد نظر در دسترس نیستند.^۱

۲. اختلاف نظر در تبیین وضعیت عمومی زنان در جوامع مسلمان

نکته دوم که در بررسی و تحلیل مطالعات و تحقیقات انجام گرفته پیشین ملاحظه می‌گردد این واقعیت است که علی‌رغم اتفاق نظر قابل ملاحظه‌ای که بین اندیشمندان و محققان در خصوص جایگاه و وضعیت زنان مسلمان (به شرح فوق‌الذکر) وجود دارد، آنان در تبیین چنین وضعیتی اختلاف نظرهای اساسی با همدیگر دارند؛ به طوری که طیف گسترده و متفاوتی از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در زمینه تبیین جایگاه و وضعیت زنان در جوامع مسلمان ارائه شده است. در اینجا، این دیدگاه‌ها به دو گروه اصلی تقسیم شده و مختصراً به شرح زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۲.۱. دین فی نفسه به عنوان عامل اصلی

دسته اول، شامل نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی می‌شود که در آن، جایگاه و وضعیت زنان مسلمان به عنوان نتیجه مستقیم ماهیت و طبیعت دین^۲ آن‌ها تبیین شده است. این دسته از دیدگاه‌ها اغلب مبتنی بر نتایج تحقیقات و مطالعات تطبیقی بین مسلمانان و سایر گروه‌های دینی مثل هندوها، بودایی‌ها و مسیحیان است. در این تحقیقات مشاهده شد که زنان در جوامع مسلمان‌نشین از سطح پایین استقلال^۳ در خانواده و جامعه، سطح

^۱ Not Available

^۲ Religion itself

^۳ Autonomy

پایین تر بهداشت، سطح بالاتر باروری، میزان پایین تر استفاده از وسایل کنترل موالید و تعداد بیشتر فرزندان مورد انتظار برخوردارند. در این دسته از دیدگاه‌ها، اعتقاد بر این است که یک رابطه علت و معلولی بین ماهیت دین و چنین شرایط و ویژگی‌های معطوف به وضعیت زنان مسلمان وجود دارد^۱. به طوری که، به عنوان مثال، اوبرمی‌یر (۱۹۹۲) از یک "مثلث مهم و گریزناپذیر" تحت عنوان "وضعیت زنان، باروری زیاد و دین اسلام" یاد می‌کند. هم‌چنین، در این دسته نظریه‌ها، سطح پایین اشتغال زنان در بازار کار در برخی از کشورهای مسلمان به عنوان پیامد مستقیم ماهیت و طبیعت دین آن‌ها تبیین شده است. به علاوه، بالا بودن میزان باروری و هم‌چنین پایین بودن میزان باسوادی و سطح تحصیلات زنان مسلمان نیز موانع اساسی مشارکت آنان در بازار کار به حساب آمده است^۲.

۲.۲.۲. عوامل دیگر

دسته دوم، تئوری‌ها و دیدگاه‌هایی را در بر می‌گیرد که در آن جایگاه و وضعیت زنان مسلمان با استفاده از مجموعه عواملی به غیر از ماهیت و طبیعت ذاتی دین آن‌ها تبیین شده است. نکته جالب توجه در این جا این است که این دسته از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها توسط اندیشمندان و محققانی مطرح گردیده است که خودشان نیز مسلمان هستند. این امر می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که آنان شناخت بالنسبه دقیق‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تری از ماهیت و طبیعت دین خود دارند. در نتیجه، این شناخت و توانایی را نیز دارند که در تبیین جایگاه و وضعیت زنان مسلمان، ماهیت واقعی دین را از سایر عوامل

^۱ به عنوان مثال ر.ک. منابع زیر:

Caldwell, 1986; Lutz, 1987; Obermeyer, 1992; Caldwell and Barkat-e-Khuda, 2000; McQuillan, 2004.

^۲ برای مطالعه کامل‌تر در این زمینه ر.ک. Foroutan, 2008a; Foroutan, 2008b.

مرتبط تفکیک نمایند. در عین حال، فرض دیگری نیز می‌تواند متصور باشد که شاید آنان تلاش می‌کنند تا متناسب با شرایط جدید در دنیای معاصر، تصویر و تفسیر مدرنی از ماهیت دین خود، از جمله در خصوص جایگاه و وضعیت زنان ارائه کنند. در هر حال، واقعیت این است که این دسته، شامل طیف متنوعی از دیدگاه‌ها در این خصوص می‌شود. با این همه، تمام این دیدگاه‌ها بر این نکته اساسی تأکید دارند که جایگاه و وضعیت زنان در جوامع مسلمان را نباید ناشی از ماهیت دین آن‌ها دانست و باید در جستجوی عوامل دیگری غیر از دین^۱ بود. ذیلاً به برخی از مهم‌ترین عواملی که مورد نظر این دسته از صاحب نظران می‌باشد اشاره می‌گردد.

برخی از طرفداران این دیدگاه بر اهمیت و ضرورت در نظر گرفتن مقتضیات تاریخی و شرایط محیطی تأکید می‌کنند. به عنوان نمونه، اهمیت و ضرورت این موضوع در زمینه اجازه چند همسری برای مردان مسلمان مشهود است.^۲ این امر در شرایطی مجاز شمرده شد که در جوامع قبیله‌ای اعراب ماقبل اسلام، نوزادان دختر به حدی مایه ننگ و شرم محسوب می‌شدند که حتی آنان را زنده به گور می‌کردند، زنان برای بردگی به فروش گذاشته می‌شدند و هیچ‌گونه محدودیتی برای مردان از لحاظ تعداد همسر، وجود نداشت (فردوس، ۱۹۸۳). چنین اجازه‌ای در اسلام در واقع شیوه‌ای قابل قبول را برای حمایت از زنان بیوه و دختران یتیم فراهم آورد؛ زیرا در آن شرایط زمانی، نه تنها جنگ‌های پی در پی وجود داشت بلکه ادامه زندگی زنان عمدتاً وابسته به مردان بود. در چنین چارچوب تحلیلی، سهم کمتر ارث برای زن یا ارزش شهادت دادن زن به

^۱ Factors other than religion

^۲ «... پس آن کس از زنان را به نکاح خود آرید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نیموده و به آن‌ها ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنان‌چه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید که این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری است» (قرآن مجید، سوره النساء، آیه ۳).

اندازه نصف ارزش شهادت دادن مرد نیز ریشه در همان مقتضیات تاریخی و شرایط محیطی جوامع اعراب قبیله‌ای دارد که در آن‌ها مردان انسان‌های باتجربه‌تری در عرصه عمومی زندگی تلقی می‌شدند که مسئولیت اصلی مدیریت و تأمین معاش خانواده بر دوش آن‌ها بود (اسپوزیتو، ۱۹۹۸).

برخی دیگر از طرفداران دیدگاه دوم معتقدند که برای فهم صحیح مناسبات بین دین و جنسیت در جوامع مسلمان باید بین آموزه‌های دینی و سنت‌های اجتماعی و رسوم محلی تفکیک قابل شد. برای مثال، تحقیقات اندیشمند مسلمان معاصر، سعید (۲۰۰۳)، در خصوص تفاوت‌های پوشش ظاهری زنان در کشورهای مسلمان نشان می‌دهد که در برخی جوامع مسلمان، مانند عربستان سعودی و افغانستان، زنان کاملاً (حتی صورت آن‌ها) پوشیده هستند؛ به طوری که نمی‌توان آن‌ها را از هم تشخیص داد، در حالی که در بعضی دیگر از جوامع مسلمان مثلاً در آفریقا و جنوب شرقی آسیا، زنان مسلمان به هیچ وجه چنین پوشش‌هایی ندارند. به علاوه، سطح پایین‌تر توسعه اقتصادی - اجتماعی در برخی جوامع مسلمان‌نشین، یکی دیگر از عواملی است که برخی دیگر از طرفداران دیدگاه دوم ارائه کرده‌اند.^۱ به عقیده آن‌ها، تنوع بسیار گسترده‌ای در بین کشورهای متعلق به جهان اسلام از نظر شاخص‌های مربوط به توسعه انسانی (از جمله وضعیت زنان) وجود دارد؛ به طوری که چنین نتیجه‌گیری می‌شود که «در میان ملل اسلامی تعداد اندکی الگوهای جمعیتی [مانند باروری زیاد و اشتغال اندک زنان] وجود دارد که نتیجه مستقیم تأثیر دین باشد» (ویکس، ۱۹۸۸: ۴۷).

علاوه بر این، در زمینه موضوع خاص اشتغال زنان نیز طرفداران دیدگاه دوم بر این اعتقادند که حتی در جوامع مسلمان اولیه نیز زنان در عرصه‌های گوناگون فعالیت‌های

^۱ برای مرور کامل منابع و تحقیقات پیشین در این زمینه ر.ک. Foroutan (2008a); Foroutan (2008b).

مربوط به اجتماع خود مشارکت می‌کردند و از آن‌ها انتظار می‌رفت که مشارکت نمایند (احمد، ۱۹۹۲). در خصوص حق کار کردن زنان در قرآن مجید سوره النساء آیه ۳۲ آمده است که «... هر چه مردان به دست آورند به آنان اختصاص دارد و هر چه زنان به دست آورند به خودشان اختصاص دارد...». وضعیت همسر گرامی پیامبر اسلام (حضرت خدیجه) که یک تاجر موفق نیز بود، نمونه‌ای است در تأیید این نتیجه‌گیری که «اسلام فی نفسه محدودیتی را در خصوص اشتغال و مشارکت زنان در بازار کار ایجاد نمی‌کند» (ویکس، ۱۹۸۸: ۲۶).

در مجموع، طرفداران دیدگاه دوم بر این باورند که اسلام زنان را از کار کردن و تلاش برای امرار معاش منع نکرده است؛ زیرا آنان می‌توانند به اراده و انتخاب خود تصمیم بگیرند که آیا اساساً به کار خارج از خانه بپردازند یا نه؟ به علاوه، زنان این حق را دارند که هم‌چون مردان به سرمایه‌های انسانی^۱ مانند تحصیلات دسترسی داشته باشند و سطح باروری و زاد و ولد خود را قاعده‌مند نمایند تا بدین طریق بتوانند امکان دستیابی به خواسته‌های انسانی خود - از جمله اشتغال و کار خارج از خانه را - داشته باشند. با این همه، توجه به این نکته مهم بسیار ضروری است که در فرهنگ اسلامی خانواده بسیار مهم است؛ به طوری که موضوع اولویت‌بندی مسئولیت‌ها و وظایف زنان در داخل خانه و خارج از خانه اهمیت ویژه‌ای دارد و کار زنان در خارج از خانه در مرتبه دوم اولویت قرار می‌گیرد. این بدان معناست که کار زنان در خارج از خانه تا زمانی که باعث بی‌نظمی و اختلال در اولویت اول (یعنی مسئولیت‌ها و وظایف زنان در داخل خانه) نمی‌شود، مورد قبول است. نکته جالب توجه در این زمینه این است که چنین تفاوت‌هایی درباره اولویت‌بندی مسئولیت‌ها و وظایف زنان در داخل خانه و خارج از خانه در برخی کشورهای پیشرفته صنعتی برخوردار از فرهنگ‌های غیر

^۱ Human capital

اسلامی نیز ملاحظه می‌شود. در جریان یک تحقیق بین‌المللی در زمینه تأثیرات متقابل خانواده و اشتغال زنان در سه کشور استرالیا، امریکا و کانادا، معلوم گردید که زنان استرالیایی ارزش و اهمیت بیشتری به زندگی خانوادگی خود می‌دهند؛ چنان‌که مادامی که نوزاد آن‌ها به اندازه کافی رشد نکرده است به سر کار باز نمی‌گردند و پس از آن نیز برای مدتی ترجیح می‌دهند که به‌طور نیمه‌وقت کار کنند تا بتوانند وظایف خانوادگی و تربیت فرزندان را به نحو بهتری انجام دهند. در حالی‌که، برای زنان امریکایی و کانادایی، کار خارج از خانه از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار است؛ به‌طوری‌که آنان ترجیح می‌دادند که مدت کوتاهی بعد از تولد فرزند به سر کار خود باز گردند (بروزنزف، ۲۰۰۲).

بررسی و تحقیق تجربی

هم‌چنان‌که تاکنون ملاحظه گردید، بخش معتناهی از مطالعات و تحقیقات موجود که بر سطح بالنسبه پایین‌تر وضعیت ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی زنان مسلمان نسبت به زنان غیر مسلمان اشتراک نظر دارند، در تبیین این وضعیت دچار دوگانگی و تضاد اساسی هستند. به‌طوری‌که، موضوع مناسبات بین "جنسیت و اسلام مسئله‌ای پیچیده و بغرنج برای دانشمندان شده است" (کاظمی، ۲۰۰۰: ۴۵۳). بخش عمده مشکل تبیین مناسبات دین و جنسیت در جوامع اسلامی، ناشی از این واقعیت است که تحقیقات تجربی و شواهد و قراین عینی مرتبط با این مشکل تبیینی بسیار اندک است. به همین منظور، در این بخش مهم‌ترین یافته‌های یک تحقیق تجربی که توسط مؤلف این مقاله انجام گرفته (فروتن، ۲۰۰۸a)، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق، شواهد و قراین تجربی قابل ملاحظه‌ای را به‌دست می‌دهد که می‌تواند برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل تبیین‌های بحث برانگیز فوق‌الذکر مورد

استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین مباحث این تحقیق تجربی به شرح زیر مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرند.

محیط تحقیق

تحقیق مورد نظر در محیط چند فرهنگی^۱ کشور استرالیا انجام گرفته است که در آن، افراد متعلق به فرهنگ‌های گوناگون و ادیان و مذاهب مختلف (مسیحیت، بودیسم، اسلام، هندوئیسم، یهود) از سرتاسر جهان زندگی می‌کنند. مطابق سرشماری سال ۲۰۰۱، قریب ۳۰۰ هزار مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند که دومین اقلیت دینی آن محسوب می‌شوند. اکثر این مسلمانان را کسانی تشکیل می‌دهند که از چهار گوشه جهان به این کشور مهاجرت کرده‌اند: از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (عمدتاً از کشورهای لبنان، سومالی، مصر، سوریه، کویت، اریتره و اتیوپی)، ترکیه و قبرس، آسیای مرکزی و شمال شرقی آسیا (عمدتاً شامل کشورهای افغانستان، ایران و عراق)، جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی (عمدتاً از کشورهای اندونزی، پاکستان، بنگلادش، مالزی، سنگاپور و هندوستان)، اروپای شرقی (عمدتاً شامل کشورهای بوسنی و هرزگوین، یوگسلاوی، آلبانی) و ممالک پیشرفته (شامل نیوزیلند، انگلستان و آمریکای شمالی). در واقع، آنچه وجه اشتراک اصلی این افراد محسوب می‌شود، همان پیوند و تعلق دینی (یعنی مسلمان بودن) آن‌ها است. در عین حال، این نکته مهم نیز باید مورد توجه واقع شود که تنوع قومی آن‌ها بسیار گسترده بوده و با توجه به این گستردگی و تفاوت‌های برجسته آن‌ها از دیدگاه کشور زادگاهی، آنان از زمینه‌ها و تجربه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی گوناگونی برخوردار هستند. در واقع، این گستردگی و گوناگونی یک فرصت استثنایی را برای این تحقیق فراهم آورده است تا بتواند تأثیرات مرتبط با ماهیت دین و تعلق دینی را از تأثیرات مرتبط با

^۱ Multicultural context

تجربیات و خصوصیات متفاوت فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بر وضعیت زنان تفکیک نماید. ضمن آن‌که، روش‌شناسی این تحقیق (که در زیر تشریح می‌شود) نیز عملاً این تفکیک را به خوبی امکان‌پذیر می‌سازد. بدین ترتیب، ویژگی‌های ممتاز تحقیق حاضر این امکان را برای آن فراهم می‌آورد تا بتواند با ارائه یافته‌ها و شواهد تجربی و عینی، زمینه‌های مناسبی را برای حل و فصل مشکلات مرتبط با تبیین مناسبات بین دین و جنسیت (که در بخش‌های قبلی این مقاله بحث شد) به دست داده و به‌طور خاص، تصویر روشن‌تری را در خصوص تبیین وضعیت اشتغال زنان در محیط‌های اسلامی ارائه نماید.^۱

۳. داده‌ها و روش‌شناسی

یافته‌های تجربی این تحقیق مبتنی بر جداول ویژه داده‌های سرشماری عمومی جمعیت و مسکن کشور استرالیا در سال ۲۰۰۱ است. با توجه به ماهیت تحقیق و تأکید خاص آن بر موضوع اشتغال زنان، جمعیت زنان واقع در سنین فعالیت اقتصادی ۱۵-۵۴ سال مورد مطالعه قرار گرفت. این جمعیت در حدود ۵،۴ میلیون نفر است که تقریباً ۸۲ هزار نفر آن‌ها را زنان مسلمان و مابقی آن‌ها را زنان غیرمسلمان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، بر پایه متغیر تعلق دینی^۲، زنان در این تحقیق به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند: مسلمانان (یعنی کسانی که اسلام به‌عنوان دین آن‌ها در هنگام سرشماری گزارش شده است) و غیرمسلمانان (یعنی کلیه کسانی که ادیان دیگر به غیر از اسلام به‌عنوان دین آن‌ها گزارش شده است). متذکر می‌شود که در سرشماری از مفهوم "تعلق دینی"

^۱ با این همه، تأیید می‌شود که بخشی از نتایج این تحقیق می‌تواند تحت تأثیر موضوع‌گزینی بودن (The matter of selectivity) مهاجرت باشد (اگرچه، با توجه روش آماری مورد استفاده در این تحقیق، تفاوت‌های مهاجران از دیدگاه سن، تحصیلات و غیره در مدل‌های تحلیلی کنترل شده هستند).

^۲ Religious affiliation

استفاده می‌شود که بر اساس پاسخ خود فرد در پرسش‌نامه سرشماری مشخص می‌گردد که وی به کدام دین تعلق دارد و در این تحقیق نیز از همین مفهوم استفاده شده است. بدیهی است که این مفهوم با مفاهیمی هم‌چون پیروی دینی یا دینداری^۱ متفاوت است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ای این تحقیق از روش رگرسیون لجستیک استفاده شده است. گفتنی است با استفاده از روش رگرسیون لجستیک قادر خواهیم بود در شرایطی که تأثیر سایر عوامل و متغیرها مانند سن، تحصیلات و غیره به‌طور هم‌زمان در الگوهای تحلیلی تحت کنترل هستند، تأثیر متغیر تعلق دینی (یعنی تفاوت بین مسلمانان و غیرمسلمانان) را بر روی سطح اشتغال تعیین و مشخص کنیم.

۴. یافته‌های اساسی تحقیق

تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق ابعاد متعدد مربوط به مناسبات بین دین و جنسیت (به‌طور خاص، وضعیت اشتغال زنان در محیط‌های اسلامی) را روشن می‌نماید که سه مورد از مهم‌ترین یافته‌های آن در این قسمت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

تجزیه و تحلیل‌های اولیه این تحقیق، وضعیت عمومی زنان مسلمان و تفاوت آنان با زنان غیر مسلمان را از نظر سطح اشتغال نشان می‌دهند. این تجزیه و تحلیل‌های اولیه، مبین این واقعیت است که دین نقش معنی‌داری بر سطح اشتغال دارد. هم‌چنان‌که در نمودار شماره یک نیز نشان داده شده است، به‌طور کلی، سطح اشتغال زنان مسلمان تقریباً به اندازه کمتر از نیمی از سطح اشتغال زنان غیرمسلمان است. در مجموع، این الگوی اشتغال را می‌توان از دو زاویه تبیین کرد. اول آن‌که، چنین الگوی اشتغالی که در این تحقیق به دست آمد می‌تواند در راستای همان وضعیت عمومی زنان در جوامع مسلمان که قبلاً بحث شد (از جمله پایین بودن میزان اشتغال آنان) تبیین شود که در آن صورت، بیان‌گر نوعی حفظ و تداوم فرهنگی هویت‌های شکل‌گرفته در جامعه

^۱ Religiosity

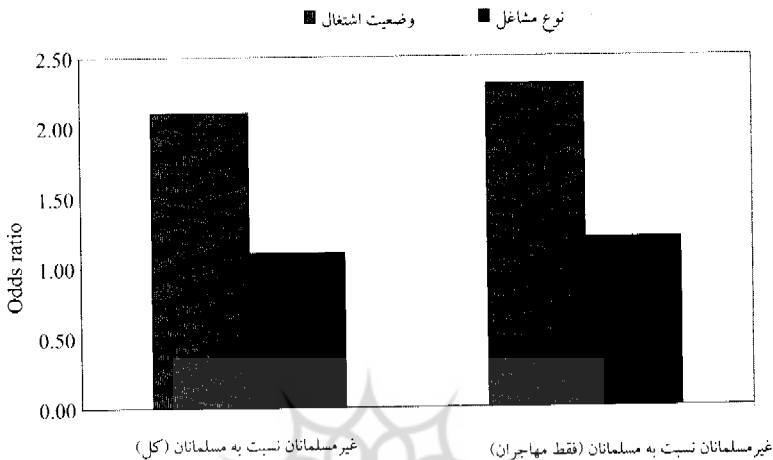
زادگاهی نیز خواهد بود. بدین معنا که، اگرچه این زنان به کشوری مهاجرت کرده‌اند که در آن سطح مشارکت زنان در جامعه و بازار کار به طور چشم‌گیری بالا است^۱، اما به نظر می‌رسد که آنان تمایل دارند تا ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی مرتبط با نقش‌های جنسیتی غالب در جوامع زادگاهی خود (از جمله میزان اندک مشارکت زنان در جامعه و بازار کار) را هم‌چنان حفظ نموده و تداوم دهند. دوم آن‌که، سطح به مراتب پایین‌تر اشتغال زنان مسلمان نسبت به زنان غیر مسلمان می‌تواند ناشی از فرضیه تبعیض^۲ باشد که، به ویژه در سال‌های اخیر، حیات و وضعیت گروه‌های مسلمان ساکن در کشورهای غیرمسلمان را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داده است. این فرضیه در خصوص آن دسته از زنان مسلمان بیشتر محتمل است که به جهت حفظ هویت‌های فرهنگی (مانند اسم و پوشش اسلامی) به آسانی در کشور مهاجرپذیر قابل شناسایی می‌باشند. با این همه، باید خاطر نشان ساخت که مطابق نتایج این تحقیق، آن دسته از زنان مسلمان که شاغل هستند، به‌طور مساوی و به همان اندازه زنان غیر مسلمان این شانس و فرصت را دارند که در مشاغل عالی (به‌عنوان مدیران و متخصصان) شاغل باشند (نگاه کنید به نمودار شماره ۱). این شانس و فرصت برابر تاحدودی باعث ایجاد تردید در احتمال تبعیض علیه زنان مسلمان می‌گردد. به‌علاوه، نتیجه مهم‌تر این تحقیق (که در زیر بحث می‌شود) این تردید را تقویت می‌کند.

^۱ میزان مشارکت زنان در بازار کار زنان استرالیایی در حدود ۷۰ درصد است (نگاه کنید به: Foroutan

(2008a, Foroutan 2008c)

^۲ Discrimination hypothesis

نمودار ۱. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک درباره وضعیت اشتغال و نوع مشاغل زنان



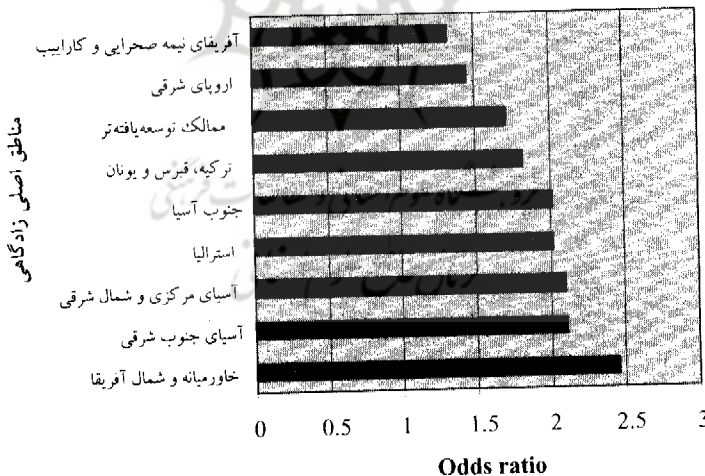
منبع: تجزیه و تحلیل‌های این نمودار مبتنی بر جداول ویژه سرشماری عمومی جمعیت و مسکن کشور استرالیا (۲۰۰۱) است (برای توضیح بیشتر ر.ک. متن این مقاله ذیل عنوان "داده‌ها و روش‌شناسی تحقیق"). این نمودار، نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک این تحقیق را در خصوص تأثیر دین (تفاوت بین زنان مسلمان و غیرمسلمان) به تفکیک درباره وضعیت اشتغال و نوع مشاغل نشان می‌دهد. در خصوص "وضعیت اشتغال" (که در بردارنده "شاغل" و "غیر شاغل" است)، نتایج نشان می‌دهند که زنان غیرمسلمان نسبت به زنان مسلمان چه قدر احتمال "شاغل" بودن دارند. هم‌چنین، در خصوص "نوع مشاغل" (که در بردارنده "مشاغل عالی" در سمت مدیران و متخصصان و "مشاغل سطح پایین‌تر" یعنی مشاغل غیر از مشاغل عالی است)، نتایج نشان می‌دهند که زنان غیرمسلمان نسبت به زنان مسلمان چه قدر احتمال شاغل بودن در "مشاغل عالی" را دارند.

تجزیه و تحلیل‌های دقیق‌تر، بعد دیگری را روشن می‌کند که به نظر می‌رسد از اهمیت به مراتب بیشتری در زمینه مناسبات بین دین و جنسیت در محیط‌های اسلامی

برخوردار است. در این تجزیه و تحلیل‌ها، به جای آن که زنان مسلمان به‌طور کلی و به‌عنوان یک گروه واحد در نظر گرفته شوند، مطابق کشورهای زادگاهی خودشان در چند منطقه یا ناحیه اصلی تقسیم‌بندی شدند. در این تقسیم‌بندی تلاش شد تا آن‌جا که امکان دارد هر منطقه یا ناحیه در بردارنده کشورهایایی باشد که دارای خصوصیات اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی کمابیش مشابهی باشند و تصویر متفاوتی را نسبت به سایر منطقه‌ها یا نواحی اصلی ارائه دهند (مانند خاورمیانه و شمال آفریقا، جنوب آسیا، آسیای جنوب شرقی، اروپای شرقی و غیره. فهرست عمده‌ترین کشورها به تفکیک هر یک از این مناطق در متن این مقاله ذیل عنوان "محیط تحقیق" ارائه شده است). بر همین اساس، تفاوت بین زنان مسلمان و غیرمسلمان در هر یک از این منطقه‌ها به‌طور جداگانه (یعنی چندالگوی تحلیلی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمودار شماره ۲ که در بردارنده خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌های این بخش از تجزیه و تحلیل‌ها است، نشان می‌دهد تعلق دینی (یعنی مسلمان بودن) تا چه اندازه بر سطح اشتغال زنان در هر یک از این مناطق یا نواحی اصلی مؤثر است. نکته کلیدی و الگوی برجسته‌ای که در نتایج این تحقیق نمایان است این است که تأثیر و نفوذ دین بر سطح اشتغال زنان بطور معناداری تابعی از مناطق و نواحی گوناگون است: در یک سو، تأثیر و نفوذ دین در برخی از این مناطق بسیار چشم‌گیر است. این موضوع عمدتاً شامل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌گردد و نشان می‌دهد که سطح اشتغال زنان مسلمان متعلق به این منطقه به‌طور چشم‌گیری پایین‌تر از سطح اشتغال زنان غیرمسلمانی است که متعلق به همین منطقه هستند. از سوی دیگر، تأثیر و نفوذ دین در تعداد دیگری از مناطق و نواحی اصلی (مانند آفریقای نیمه‌صحرائی و اروپای شرقی) بسیار ناچیز است و حکایت از آن دارد که تفاوت بسیار اندکی بین زنان مسلمان و غیرمسلمان از نظر سطح اشتغال وجود دارد. به‌عبارت دیگر، این نتایج به روشنی نشان می‌دهند که یک الگوی واحد در

خصوص سطح اشتغال زنان مسلمان وجود ندارد؛ بلکه این الگوها به طور معنی داری متفاوت و متعدد هستند. زیرا در برخی از مناطق و نواحی اصلی سطح اشتغال زنان مسلمان بالاست، به طوری که اختلاف چندانی با زنان غیر مسلمان ندارد و حال آن که این اختلاف در برخی دیگر از مناطق بیشتر است؛ از آن رو که وضعیت اشتغال زنان مسلمان این مناطق در سطح بالنسبه پایین تری است. در عین حال، این الگوهای متفاوت بیانگر این واقعیت نیز هست که تأثیری که دین بر سطح اشتغال زنان مسلمان می گذارد بسته به محیط های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی متفاوتی است که این زنان به آنها تعلق دارند.

نمودار ۲. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک در باره وضعیت اشتغال به تفکیک مناطق اصلی زادگاهی زنان



منبع: ر.ک. توضیحات نمودار ۱.

الف) نمودار ۱ توضیحات لازم را درباره چگونگی تفسیر نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک این تحقیق ارائه می‌دهد. در عین حال، این نتایج در این نمودار به تفکیک مناطق اصلی زادگاهی زنان (یعنی تفاوت بین زنان مسلمان و غیرمسلمان در هر یک از مناطق) نشان داده شده‌اند. برای مثال، در منطقه "خاورمیانه و شمال آفریقا"، شانس یا احتمال شاغل بودن زنان غیرمسلمانی که زادگاه و محل تولد آنها این منطقه است تقریباً ۲/۵ برابر زنان مسلمانی است که متعلق به همین منطقه هستند. ب) تقسیم‌بندی مناطق اصلی در این نمودار مبتنی بر چگونگی توزیع جمعیت زنان مسلمان در جریان مطالعات اولیه انجام گرفته است. ج) فهرست عمده‌ترین کشورها به تفکیک هر یک از این مناطق اصلی در متن این مقاله ذیل عنوان "محیط تحقیق" ارائه شده است.

نکته مهم پایانی که یافته‌های این تحقیق نشان داده است، به میزان و شدت تأثیر تعلق دینی در مقایسه با سایر عوامل تعیین‌کننده مربوط می‌شود که در نمودار شماره ۳ آمده است. این یافته‌ها مبین دو نکته مهم هستند: اول آن‌که، میزان و شدت تأثیر دو عامل سطح تحصیلات زنان و حضور فرزند خردسال در منزل بر اشتغال زنان، به‌طور معنی‌داری بیش از میزان و شدت تأثیری است که تعلق دینی بر اشتغال زنان دارد. در خصوص سطح تحصیلات زنان، نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که احتمال اشتغال برای زنانی که سطح تحصیلات آنها "بسیار بالا و عالی" است، بیش از هفت برابر احتمال اشتغال زنانی است که سطح تحصیلات آنها "پایین" می‌باشد. به‌علاوه، نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که احتمال اشتغال برای زنانی که هیچ فرزند خردسالی در منزل ندارند بیش از شش برابر احتمال اشتغال زنانی است که دارای فرزند خردسال دو ساله یا کمتر هستند. در واقع، این نتایج تأییدکننده تحقیقات پیشین است که در آن‌ها تحصیلات به‌عنوان «چرخ تحرک اقتصادی اجتماعی» و هم‌چنین حضور فرزند

خردسال در منزل و سن خردسال‌ترین فرزند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده مشارکت زنان در بازار کار شناسایی شده‌اند.^۱

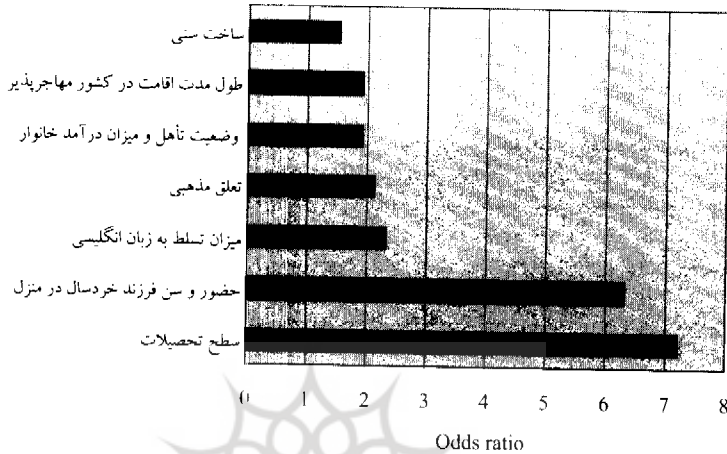
دوم آن‌که، میزان و شدت تأثیر تعلق دینی بر روی اشتغال زنان تقریباً برابر با میزان و شدت تأثیر سایر عوامل در مدل‌های تحلیلی است. به‌عنوان مثال، احتمال اشتغال زنانی که میزان درآمد خانوار آن‌ها "زیاد" می‌باشد تقریباً دو برابر احتمال اشتغال زنانی است که میزان درآمد خانوار آن‌ها "کم" می‌باشد. ضمن آن‌که، سطح اشتغال زنان مجرد تقریباً به همان اندازه زنان متأهلی است که میزان درآمد خانوار آن‌ها "کم" می‌باشد. هم‌چنین، احتمال اشتغال زنان مهاجری که میزان آشنایی و تسلط آن‌ها به زبان انگلیسی در حد "بسیار زیاد و عالی" می‌باشد تقریباً دو برابر احتمال اشتغال زنانی است که میزان آشنایی و تسلط آن‌ها به زبان انگلیسی در حد "بسیار کم و ضعیف" می‌باشد. بالاخره، احتمال اشتغال زنانی که طول مدت اقامت‌شان در کشور مهاجرپذیر "بیش از ده سال" است تقریباً دو برابر احتمال اشتغال زنانی است که طول مدت اقامت‌شان در کشور مهاجرپذیر "ده سال یا کمتر" می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ برای آگاهی از سایر تحقیقات پیشین در خصوص نقش و اهمیت سطح تحصیلات و حضور فرزند خردسال در منزل و سن خردسال‌ترین فرزند در منزل بر اشتغال زنان ر.ک. (Foroutan (2008)

نمودار ۳. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک درباره مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وضعیت اشتغال

زنان^۱



منبع: ر.ک. توضیحات نمودار ۱.

۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

این مقاله، زمینه‌های نظری و تجربی مناسبات بین دین و جنسیت را با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان در جوامع اسلامی مورد بحث و بررسی قرار داده است. بررسی ادبیات تحقیق در این حوزه مطالعاتی نشان داد که اگرچه بخش گسترده‌ای از تحقیقات پیشین بر این نکته اجماع کرده‌اند که وضعیت زنان در بسیاری از جوامع مسلمان بر پایه معیارهایی هم‌چون سطح سواد و تحصیلات، باروری و اشتغال در بازار کار در سطح

^۱ تذکر: نمودار شماره یک توضیحات لازم را درباره چگونگی تفسیر نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک این تحقیق ارائه داده است. در متن مربوط به این نمودار در مقاله (ذیل عنوان یافته‌های تحقیق)، توضیحات بیشتری درباره نتایج این نمودار ذکر شده است.

بالنسبه پایین تری است، با این همه تبیین این وضعیت و موقعیت برای محققان و اندیشمندان بحث برانگیز شده است و نظریات گوناگون و بعضاً متناقضی برای تبیین این وضعیت ارائه کرده‌اند. در این مقاله، این نظریات و دیدگاه‌های متعدد در دو گروه عمده خلاصه شده و مورد بحث قرار گرفته است.

بخش دوم این مقاله به ارائه نتایج یک تحقیق تجربی اختصاص یافته است. هدف اصلی این بخش، ارائه شواهد و قراین تجربی و عینی در زمینه تبیین مناسبات بین دین و جنسیت با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که اولاً، در مقایسه با تأثیر دین بر اشتغال زنان، سطح تحصیلات زنان و عوامل مرتبط با وضعیت خانواده آن‌ها (به‌ویژه، حضور یا عدم حضور فرزند خردسال در خانه و سن خردسال‌ترین فرزند) نقش و تأثیر به مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری بر اشتغال زنان ایفا می‌کنند. ثانیاً، چنانچه زنان مسلمان به‌عنوان یک گروه واحد و صرف‌نظر از تفاوت‌های آن‌ها از نظر تعلق به محیط‌های متفاوت فرهنگی اجتماعی مورد توجه قرار گیرند، سطح اشتغال آن‌ها تقریباً به اندازه نصف سطح اشتغال زنان غیرمسلمان است. ثالثاً، میزان نفوذ و تأثیر تعلق دینی بر سطح اشتغال زنان، به‌طور معنی‌داری تابعی از محیط‌های گوناگون فرهنگی - اجتماعی است که بدان تعلق دارند و در آن رشد و نمو کرده‌اند. به عبارت دیگر، الگوهای متعددی (و نه یک الگوی واحد و قابل تعمیم به همه) در زمینه اشتغال زنان مسلمان وجود دارد که عمدتاً ناشی از محیط‌های زندگی آن‌هاست که به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی با همدیگر فرق دارند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که سطح اشتغال زنان مسلمان بیش از آن که متأثر از نفوذ تعلق دینی باشد، تحت تأثیر محیط‌های فرهنگی - اجتماعی گوناگونی است که این زنان به آن‌ها تعلق دارند. به عبارت دقیق‌تر، این تنوع محیط‌های فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان یک عنصر به مراتب مهم‌تر، شدت تأثیر عامل تعلق دینی بر اشتغال زنان را

تعیین می‌کند. در مجموع، این الگوهای متعدد در خصوص تأثیر و نفوذ دین بر وضعیت زنان (به ویژه، بر اشتغال آن‌ها) متناسب با مناطق برخوردار از مختصات اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی گوناگون، بر این نکته بسیار مهم تأکید دارند که تبیین صحیح و جامع مناسبات بین دین و جنسیت در جوامع مسلمان، نه تنها مستلزم دقت و احتیاط بیشتری است، بلکه نیازمند متمایز نمودن تأثیر دین از تأثیر محیط‌ها و شرایط متفاوت اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی نیز می‌باشد.

منابع

- اسدی، علی و همکاران (۱۳۵۶) تمایلات فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارشی پیرامون یک تحقیق در تهران.
- زنجان، حبیب‌الله (۱۳۸۲) «زن و مدیریت»، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری: ۱۶۵-۱۷۵.
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران: انتشارات تبیان.
- _____ (۱۳۸۶) «زنان و تحصیلات دانشگاهی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم، شماره ۵۶-۵۷ (ویژه‌نامه علوم اجتماعی ۴): ۱۰۱-۱۲۷.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۷) تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: انتشارات روش.
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۲) «تأثیرات اشتغال زنان بر روی مناسبات زناشویی»، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان، تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری: ۲۴۳-۲۵۶.
- _____ (۱۳۸۶) «ابعاد جمعیت شناختی مشارکت زنان در بازار کار»، مقاله ارائه شده در چهارمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۴-۱۵ اسفندماه.

_____ (۱۳۸۸) بررسی نگرش‌ها درباره اشتغال زنان و ارتباط آن با مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی: مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه مازندران، مجموعه مقالات همایش طرح مسائل اجتماعی استان مازندران، بابل‌سر: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه مازندران، جلد دوم: ۳۹۹-۴۴۳.

کازمی‌پور، شهلا (۱۳۸۵) «تحولات اخیر و آینده وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱: ۲۰-۴۲. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سال‌های متعدد (۱۳۳۵-۱۳۶۵).

میرزایی، محمد (۱۳۸۴) جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

Abbasi-Shavazi M. J. and P. McDonald (2006) "Fertility Decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000" *Asian Population Studies*, 2: 217-237.

Abbasi-Shavazi M. J. and G. W. Jones (2005) "Socio-Economic and Demographic Setting of Muslim Populations", IN: *Islam, The State and Population*, Ed. G. W. Jones and M. S. Karim, Hurst & Company, London: 1-39.

Ahmed, L. (1992) *Women and Gender in Islam: Historical Roots of a Modern Debate*, Yale University Press.

Anker, R. (1997) "Theories of Occupational Segregation by Sex: An Overview", *International Labour Review*, 136 (3):1-14.

Anker, R. (1998) *Gender And Job: Sex Segregation of Occupations in the World*, International Labour Organization, Geneva.

Anker R and M Anker (1995) "Measuring Female Labour Force with Emphasis on Egypt", IN: *Gender and Development in the Arab World*, Ed: N F Khoury and V M Moghadam, The United Nations University Press: 148-176.

Azzam, H. J. A., Nasr and I. Lorfing (1984) "An Overview of Arab Women in Population, Employment and Economic Development", IN: *Women, Employment and Development in the Arab World*, Ed: J A Nasr, N F Khoury, And H T Azzam, Mouton Publisher: 5-37.

- Boserup, E. (1970) *Women's Role in Economic Development*, George Allen and UNWIN Ltd, London.
- Brusentsev, V. (2002) "Cross-National Variation in Labour Market Participation of Married Women in Australia", Canada and the United States of America, *The Economic Record*, 78 (241): 224-231.
- Caldwell, J. C. (1986) "Routes to Low Mortality in Poor Countries", *Population and Development Review*, 12 (2): 171-220.
- Caldwell, B. and Barkat-e-Khuda (2000) "The First Generation to Control Family Size: A Microstudy of the Causes of Fertility Decline in a Rural Area of Bangladesh", *Studies in Family Planning*, 31 (3): 239-251.
- Carmichael, G. A. and P. McDonald. (2003) Fertility trends and differentials, 40-76 in S-E.
- Khoo and P. McDonald (eds), *The transformation of Australia's Population: 1970-2030*, Sydney: UNSW Press.
- Chesnais J-C (1996) "Fertility, Family, and Social Policy in Contemporary Western Europe", *Population and Development Review*, 22 (4): 729-739.
- Dharmalingam, A. and S. P. Morgan (2004) "Pervasive Muslim-Hindu Fertility Differences in India", *Demography*, 41 (3): 529-545.
- Esposito, J. L. (1998) "Introduction: Women in Islam and Muslim Societies", IN: *Islam, Gender, & Social Change*, Ed: Y Y Haddad and J. L. Esposito, Oxford University Press.
- Fargues, P. (2005) "Women in Arab Countries: Challenging the Patriarchal System?", *Reproductive Health Matters*, 13, Issue 25: 43-48.
- Ferdows, A. K. (1983) "Women and Islamic Revolution", *International Journal of Middle East Studies*, 15 (2): 283-298.
- Foroutan. Y. (2006a) "Gender, Religion, and Multiculturalism", Paper presented at The 13th.

Biennial Conference of Population Association of Australia, University of Adelaide, Adelaide, Australia, December 5-8.

_____ (2006b) "Family, Religion, and Multiculturalism: Challenging Implications on Women's Economic Behavior", Paper presented at the 2006 Annual Meeting of the Population Association of America (PAA), Los Angeles, the United States of America, March 30-April 01.

_____ (2008a) "Women's employment, religion and multiculturalism: socio-demographic Emphasis", *Journal of Population Research*, 25 (1):163-190.

_____ (2008b) "Employment Differentials of Second Generation Muslim Immigrants: Assimilation and Discrimination Hypotheses", *Immigrants and Minorities*, 26 (3): 219-241.

_____ (2008c) "South Asian Female Migrants' Work Differentials: Multicultural Assessment", *South Asia Research*, 28 (2): 203-224.

_____ (2008d) "Migration differentials in women's market employment: An empirical and multicultural analysis", *International Migration Review*, 42 (3): 677-705.

_____ (2009a) "Gender and religion: The status of women in the Muslim world", In P. Clarke and P. Beyer (Eds.), *The World's Religions: Continuities and Transformations*, London: Routledge Publication: 225-238.

_____ (2009b) "Migration and Gender Roles: The Typical Work Pattern of the MENA Women", *International Migration Review*, 43 (4): 1008-1029.

_____ (2009b) "Religion, Migration and Social Change: Christian-Muslim Differentials", *Australian Religion Studies Review*, 22, Issue 3.

Foroutan, Y. and P. McDonald, (2008) "Asian Migrant Women's Employment Participation: Patterns, Determinants and Differentials", *Asian Journal of Women's Studies*, 14 (2): 109-141.

- Hakim, C. (1996) *Key Issues in Women's Work: Female Heterogeneity and the Polarisation of Women's Employment*, Atlantic Highlands, N. J: Athlone, London.
- Hull, T. H. (2005) "Reproductive Health Trends in Islamic Countries", IN: *Islam, the State and Population*, Ed: G. W. Jones and M. S. Karim, Hurst & Company, London: 56-79.
- International Labour Organisation (ILO) (2001) *Key Indicators of the Labour Market 2001-2002*, Geneva.
- Kazemi, F. (2000) "Gender, Islam, and Politics", *Social Research*, 67 (2): 453- 474.
- Kirk, D. (1965) "Factors Affecting Moslem Natality", IN: *Family Planning and Population Programs: A Review of World Developments*, Ed: The Planning Committee for the Conference, International Conference on Family Planning Program-Geneva, The University of Chicago Press: 561-579.
- Knodel, J. et al (1999) "Religion and Reproduction: Muslims and Buddhist Thailand", *Population Studies*, 53 (2): 149-164.
- Lehrer, E. L. (2004) "Religion as Determinant of Economic and Demographic Behavior in the United States", *Population and Development Review*, 30 (4) 707-726.
- Lutz, W. (1987) "Culture, Religion, and Fertility: A Global View", *Genus*, XLIII (3-4): 15-34.
- McQuiilan, K. (2004) "When Does Religion Influence Fertility?", *Population and Development Review*, 30 (1): 25-56.
- Mishra, V. (2004) *Muslim/Non-Muslim Differentials in Fertility and Family Planning in India*, East-West Center Working Paper, No. 112, Population and Health Series.
- Moghadam, V. M. (1999) "Gender and Globalization: Female Labor and Women's Mobilization", *Journal of World-System Research*, V (2): 367-388.
- Morgan, S. P. et al (2002) "Muslim and Non-Muslim Differences in Female Autonomy and Fertility: Evidence from Four Asian Countries", *Population and Development Review*, 28 (3): 515-537.

- Obermeyer, C. M. (1992) "Islam, Women, and Politics: The Demography of Arab Countries", *Population and Development Review*, 18, Issue 1: 33-60.
- Omar, W. and K. Allen (1996) *The Muslims in Australia*, Australian Government Publishing Services, Canberra, Australia.
- Omran, A. R. and F. Roudi (1993) "The Middle East Population Puzzle", *Population Bulletin*, 48 (1): 1-38.
- Saeed, A. (2003) *Islam in Australia*, Allen & Unwin, NSW, Australia.
- Shaditalab, Jaleh (2005) "Iranian Women: Rising Expectations", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, 14 (1): 35-55.
- Sorensen, M. (1993) *The Match between Education and Occupation for Immigrant Women in Canada*, Research Discussion Paper, 102, Population Research Laboratory /Department of Sociology, University of Alberta, Canada.
- United Nations (1974) *Towards a System of Social and Demographic Statistics*, Studies in Methods, Series F, 18, Department of International Economics and Social affairs, New York.
- United Nations (2000) *The World's Women 2000: Trends and Statistics*, Social Statistics Indicators, Series K, 16, New York.
- Weeks, J. R. (1988) "The Demography of Islamic Nations", *Population Bulletin*, The Population Reference Bureau, 43 (4), Wilson Social Sciences Abstracts.
- Zurayk, H. C. and F. Saadeh (1995) "Women as Mobilizers of Human Resources in Arab Countries", IN: *Gender and Development in the Arab World*, Ed: N. F. Khoury and V. M. Moghadam, The United Nations University Press: 35-48.